



## دو کنش، دو کنشگر!

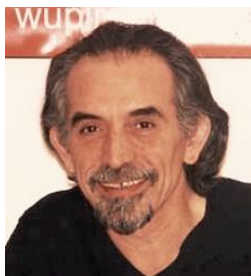
### اصلاح طلبان حکومتی مدافع حقوق زن یا مدافع رژیم اسلامی؟

آنر ماجدی

هفته پیش شاهد دو برخورد متفاوت به رژیم اسلامی بر سر وضعیت زنان بودیم. دو برخورد کاملاً متمایز. یکی عصبان یک زن جوان جان به لب رسیده از اذیت و آزار رژیم زن ستیز اسلامی که سریعاً خبر آن پخش شد و دیگر التماس و درخواست سرگشاده یکی از "کنشگران" ملی - اسلامی به درگاه روحانی در مورد رعایت حقوق زنان که مدرسه فمینیستی آنرا منتشر کرد. این برخوردها کدامست؟

خبر حمله یک زن جوان به یک مامور زن منكراتی در سایت های خبری وابسته به رژیم منتشر شد و سریعاً در سایت های مختلف از جمله فیس بوک پخش شد. یک زن جوان عاصی از مزاحمت های دائمی مامورین اسلامی زمانیکه یک زن منكراتی در مورد "بدحجابی" به او تذکر می دهد، به او حمله ور شده و مورد ضرب و شتم قرارش می دهد. در شرایط عادی، در یک جامعه متعارف، نه تنها کسی از حرکت خشونت آمیز دفاع نمی کند، بلکه آنرا مذموم و مردود می شمارد. اما جامعه ایران یک جامعه عادی نیست؛ شرایط زیست در این جامعه متعارف نیست؛ سرکوب خشن، کنترل تمام جوانب زندگی مردم، زن ستیزی شدید، فقر و تبعیض گسترده، جان مردم را به لبشانش رسانده است. مردم خواهان سرنگونی این رژیم و محاکمه و مجازات کلیه کار بدستان هستند.

صفحه ۲



## جنبش آزادی زن در خاورمیانه

### جبهه های نبرد کدامند؟

سیاوش دانشور

در مصر دولت اسلامی محمد مرسی با قیام میلیونی سرنگون شده است. تمام آن سوالات و انگیزه های اجتماعی که منجر به عملی انقلابی و سرنگونی محمد مرسی شد، مسائل بلافصل تناسب قوای امروز هستند که باید تعیین تکلیف سیاسی شود. سناریوی ارتش تکرار سناریوی دوره سقوط مبارک و تداوم وضع موجود است. ارتش، همانطور که در مطالب قبلیتر اشاره کرده ایم، در دقیقه نود ابتکار عمل سیاسی را بدست گرفت تا کنترل اوضاع و تداوم آنرا داشته باشد. ارتش وقتی دید که مرسی رفتنی است و همراه با مرسی میتواند شعار "الشعب يريد اسقاط النظام" تحقق پیدا کند، مرسی را قربانی کرد تا کل نظام سیاسی - اقتصادی بورژوازی را نجات دهد و قدرت طبقه حاکم را در آرایشی جدید اعاده کند.

بر هر ناظر هوشیار و انقلابی روشن است که در جامعه مصر با پتانسیل انقلابی موجود، جای یک حزب کارگری و انقلابی که دیده شود و بدرجه ای قدرتمند باشد که سرنگونی را به نفعی وضع موجود ارتقا دهد، خالی است. حزبی که بتواند در مقابل نقشه راه ارتش و ناسیونالیست های متفرقه موسوم به لیبرال، راه حل کارگری و سوسیالیستی و کمونیستی را پیش روی جامعه قرار دهد. حزبی که نماینده خواسته های ضد سرمایه داری و عدالتخواهانه میلیونها نفر باشد. حزبی که حزب استقرار آزادی و برابری و رفاه همگان باشد. در همین دوران انقلابی که کشمکش قدرت فیصله پیدا نکرده است باید این ابزار حیاتی را ساخت و به مرکز سیاست و جامعه آورد.

صفحه ۳

اما تاریخ منتظر رفع کمبودهای ما نمی ماند. تاریخ را پراتیک اجتماعی و طبقاتی نیروهای متخاصم میسازند.

# آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!

## دو کنش، دو کنشگر!

### اصلاح طلبان حکومتی مدافع حقوق زن یا مدافع رژیم اسلامی؟ ...

آدم می ماند که این خانم وحدتی دچار توهم است، یا دارد تحت نام تلاش برای کسب حقوق زن توهم پراکنی می کند؟ آیا ایشان قصدش دفاع از حقوق زن است یا دفاع از رژیم اسلامی در مقابل مردم و زنان جوانی که امور را دارند بدست خود می گیرند و دیگر زیر بار حرف زور نمی روند؟ طی سی و چندسالی که از حیات خونین رژیم اسلامی می گذرد، جریانات ملی - اسلامی و از سال ۱۳۷۶ جریان اصلاح طلب حکومتی و اپوزیسیون پرو رژیم تمام تلاش شان حفظ و بقای رژیم اسلامی بوده است. تحرکات این چینی بخشی از فعالیت این دسته "کنشگران" بوده است. در دو شماره پیش همین نشریه درباره جلسه زنان ملی - اسلامی و طرح کف مطالبات زنان به روحانی نوشتیم و اکنون با نامه سرگشاده یک کنشگر دیگر از همین جریان روبرو هستیم.

معلوم نیست اینها دارند چه کسان و چه بخشی از جامعه را فریب می دهند؟ واقعا چه کسی در جامعه به این رژیم ذره ای توهم دارد یا به عبای روحانی برای تغییر و بهبود دخیل بسته است؟ مساله اینجاست که این "کنشگران" ملی اسلامی و جریان اصلاح طلب حکومتی نیز ذره ای توهم به این رژیم ندارند؛ کنش های اینها بخشی از سناریوی حفظ رژیم است، تلاشی برای ممانعت از یورش مردم به این نظام، تحرکی برای سد کردن موج انقلاب مردم است. اینها را نباید فعال مبارزه برای حقوق زنان خواند؛ این کنشگران ستون پنجم رژیم اسلامی درون جنبش حقوق زن هستند و باید با همین نام آنها را افشاء کرد و به مردم شناساند. بر کسی که پس از سی و چهار سال تجربه زندگی تحت رژیم اسلامی، ۱۶ سال پس از هیاهوی جنبش دوم خرداد و جنبش "اصلاحات"، ۴ سال پس از خیزش عظیم مردم و سرکوب خشن آن توسط اوباش اسلامی، پس از بیش از صد هزار اعدام مخالفین، کمونیستها و آزادیخواهان، به یکی از این ارازل و اوباش که از روز نخست در راس این حکومت منحوس جای داشته، بعنوان "رئیس جمهور منتخب مردم" نامه سرگشاده می نویسد و با قربان صدقه، التماس و درخواست می کند، نامی بجز طرفدار رژیم اسلامی و کنشگر رژیم اسلامی نمی توان گذاشت.

خانم وحدتی نگران زنان و حقوقشان نیست، نگران رژیم اسلامی و "رئیس جمهور منتخبش" روحانی است: "دو اینکه پس از چهارسال عملکرد دولت شما در بهبود و پیشرفت جایگاه زنان بطور مشخص قابل اندازه گیری باشد و شما بتوانید از کارنامه عمل خود در تحقق وعده هایی که داده اید دفاع کنید".\*

مردم ۴ سال پیش علیه این نظام سیاه و جنایتکار به خیابانها آمدند و با سرکوب خشن، زندان، شکنجه، تجاوز، اعدام و مرگ پاسخ گرفتند. این رژیم یک وصله ناجور به جامعه ایران است. همه اینرا می دانند. همه با آرزوی سرنگونی آن روز را به شب می رسانند. لذا عکس العمل این زن جوان نه تنها با تعجب روبرو نشد، نه تنها مورد شماتت قرار نگرفت، بلکه موج تحسین را برانگیخت. شجاعت این زن جوان مورد تحسین واقع شد. این زن منکراتی دفعه بعد قبل از اینکه جرئت کند به زن دیگری تذکر دهد، یکبار دیگر به عواقب آن فکر خواهد کرد. این رژیم را با زبان خوش نمی توان تغییر داد. باید با زور و قهر به زیرش کشید و تا زمانیکه تشکیلات و اتحاد وسیع موجود نباشد، مردم بطور فردی یا گروه های کوچک امور را بدست خود می گیرند. این منطق یک جامعه اختناق زده، پر از سرکوب و نارضایتی است.

اما برخورد دوم. ظاهرا یک برخورد منطقی و اصولی! خانم سهیلا وحدتی، یکی از فعالین ملی - اسلامی حقوق زن طی نامه ای بسیار محترمانه به رئیس جمهوری که کارنامه اش در سرکوب و جنایت برای همه روشن است، از او خواسته است که به "وعده هایش" در مورد حقوق زنان عمل کند و بعد یک نامه مفصل برای او به نگارش درآورده است. در جامعه ای با شرایط عادی و متعارف، میشد گفت: که خوب، رئیس جمهوری انتخاب شده و یک فعال حقوق زن خواستهای زنان را با او درمیان می گذارد؛ ایرادی که ندارد؟! اما ما نه تنها در یک جامعه عادی و متعارف زندگی نمی کنیم، بلکه این انتخابات هم انتخابات نیست، مضحکه ای بیش نیست. همه می دانند که ۹۹/۹۹ درصد مردم حق کاندید شدن در این انتخابات را نداشتند، حتی نورچشمی های رژیم، بنیانگذاران و کسانی که روی زانوی "امام" بزرگ شده اند هم از لیست کاندیداها حذف شدند. در چنین شرایطی آن فردی که روحانی را "رئیس جمهور منتخب مردم" می نامد، یا در این دنیا زندگی نمی کند، یا می خواهد خاک بچشم مردم بپاشد؛ یا هیچ تصویری از یک جامعه حتی نیم آزاد هم ندارد، یا می خواهد بمردم اینگونه بقبولاند که ایران تحت رژیم اسلامی برای "ما ایرانیان" خوب است و شاید از سرمان هم زیاد است.

خانم وحدتی نامه سرگشاده خود را این چنین آغاز می کند: "انتخاب شما به عنوان رئیس جمهور آینده ایران برای بسیاری از مردم ایران امیدبخش بوده است. سپس ادامه می دهد: "انتظار ملت از دولت تدبیر و امید" این است که به مسائل همه زنان پرداخته و برای بهبود وضعیت همه زنان بکوشد... توجه شما به مسائل مربوط به خانواده قابل تقدیر است، اما محدود کردن مسائل زنان به مساله خانواده به مخدوش کردن مساله منجر شده و دستگاه اجرایی را از یافتن راه حل های مناسب هم در حوزه مسائل زنان و هم در حوزه مسائل خانواده باز می دارد."

**برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!**

## جنبش آزادی زن در خاورمیانه

### جبهه های نبرد کدامند؟ ...

از خواسته های برحق و آزادیخواهانه رسید. جنبش ما باید در مقابل دولت تحمیلی جدید و پروسه تغییر قانون اساسی و وعده تاریخ انتخابات، حرف خود را بزند و همین پروسه حکومتی ها را زیر فشار بگذارد. در مقابل طرح های ضد انقلابی و ضد آزادیخواهانه طبقه حاکم ما باید بر پرنسیپها و اصولی در باره چهارچوب دولت و ساختار سیاسی و اداری تاکید کنیم.

باید از جمله: "بر برقراری یک ساختار سیاسی که دخالت مستقیم و مستمر مردم در امر حاکمیت را تضمین کند. برقراری حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی وسیع، بیقید و شرط و تضمین شده و برابر برای همه. رفع هر نوع تبعیض بر اساس جنسیت، تابعیت، تعلقات قومی و ملی و نژادی و مذهبی، سن، و غیره. به اجرا درآمدن موازین اقتصادی و رفاهی عمومی، و همچنین یک قانون کار پیشرو، که بالاترین سطح زندگی و رفاه و امنیت اقتصادی مردم را به نظام سرمایه داری حاکم تحمیل کند"، تاکید کنیم.

#### سکولاریسم و استقرار دولتی سکولار و پیشرو

جنبش اسلام سیاسی در خاورمیانه زیر منگنه و فشار شدید قرار دارد. مشخصا در مصر سرنگون شده است، در ترکیه به مصافی جدی کشیده شده، در تونس وضعیت اش تعریفی ندارد، و در ایران آینده اش زیر سوال است. به عبارتی دیگر روندهای واقعی و تمایلات اجتماعی میلیونها مردمی که طی دهه های متمادی تحت انقیاد سیاسی و اقتصادی جنبش اسلامی و دیگر دیکتاتوریهایی سرمایه زیسته اند، بروشنی اعلام میکند که دوران سرنگونی حکومتهای اسلامی آغاز شده است. شکست اسلاميون پرو غربی و تحفه دمکراسی، نه توسط اسلاميون اردوگاه رقیب بلکه توسط مردم صورت گرفته است. این سلب قدرت و سلب صلاحیت فرمال اسلاميون، بلافاصله به معنی تمایل قوی به حکومتی سکولار است. حکومتی که دین را وسط کار و زندگی مردم نکشد و قوانین و مناسبات اجتماعی را براساس هویت دینی و مذهبی تعریف نکند. باید توجه داشت زمانی که مردم

صفحه ۴

تبعیض از کلیه شهروندان از دیگر سوالات مهم و محوری امروز در جامعه مصر هستند.

#### آزادیهای فردی و اجتماعی

زنان نمیتوانند آزاد باشند و جامعه اسیر باشد. کارگران نمیتوانند آزاد باشند و دیگر بخشهای جامعه در انقیاد باشند. آزادی امری انسانی و اجتماعی است و تنها نیروها و طبقاتی میتوانند آنرا متحقق کنند که در وجود آزادیهای فردی و اجتماعی و حقوق مدنی ذینفعند. زنان صنفی نیستند که صرفا حقوق زنانه خود را میخواهند بلکه بخش مهمی از جامعه و طبقه کارگر هستند که باید بتوانند در همان مقیاس اجتماعی و موثر در سیاست و سرنوشت سیاسی خویش دخالت کنند. جنبش آزادی زن جانبدار است، برابری طلب است، از تبعیض و نابرابری بیزار است، و خود را جزئی و رکنی از تلاش برای آزادی سوسیالیستی جامعه میداند.

آزادی زن یک معیار آزادی جامعه است و جنبش آزادی زن و اردوی آزادی و برابری در مصر باید چهارچوبی را پیش رو گذارد که نیروی کافی برای پیشروی و برای رهایی همه جانبه را تامین و تضمین کند. جنبش آزادی زن و جنبش طبقه کارگر نباید منتظر نقشه راه ارتش و بند و بست دولتهای غربی و امثال البرادعی و اخوان و فرماندهان ارتش بنشینند. باید چهارچوبهای سیاسی مورد نظرشان را همین امروز طرح کنند و برای تحقق آن نیرو بسپج کنند. تنها با ظاهر شدن بعنوان یک طرف کشمکش سیاسی در جامعه مصر و جوامع خاورمیانه است که میتوان بدرجه ای

در دوره انقلابی از هر منفذ جامعه تلاش برای اعاده وضع موجود از یکسو و تلاش برای تغییر وضع موجود از سوی دیگر، به حادثترین شکل میان احزاب سیاسی و جنبشهای اجتماعی متخاصم در جریان است. هر جریان و نیروی بازیگر و موثر در این کشمکش پاسخ خود را به سوالات مطرح جامعه میدهد. پیشروی هر جریان و جنبش سیاسی در هر مقطع ایندوره، در گرو درک نبض اوضاع، درک و شناخت دقیق سوالات مطرح، و ارائه راه حلی است که بتواند در مقیاس ماکرو نیروهای اجتماعی را جابجا کند. حتی اگر یک حزب کمونیستی کارگری قدرتمند و متحد وجود داشت و ابتکار عمل سیاسی را بدرجه ای در دست گرفته بود و یا بخشا قدرت سیاسی را تسخیر کرده بود، تبدیل یک وضعیت به وضعیتی دیگر باید در جهان مادی و در یک کشمکش سیاسی و اجتماعی با اتکا به نیروهای واقعا موجود این تحول صورت می پذیرفت. لذا در مصر امروز، در ترکیه و تونس، در ایران و هر کشوری که زیر یوغ سرمایه و اسلام دست و پا میزند، توجه و فوکوس جنبش آزادی زن و جنبش کمونیستی طبقه کارگر روی جبهه های نبرد طبقاتی اساسی و کلیدی است.

#### جبهه های نبرد کدامند؟

در مصر امروز مسئله تعیین چهارچوبی برای مختصات پروسه سیاسی انتقالی از مهمترین سوالات ایندوره هستند. چهارچوبی که دولتیها و طبقه حاکم دنبال میکنند، نهایتا چهارچوبی اسارت آمیز، ادامه گذشته در ترکیبی جدید، تداوم اعمال فقر و تبعیض و نابرابری در اشکالی جدید، و حفظ بنیادهای نابرابری و سرکوب و اختناق برای بازسازی و اعاده حاکمیت سرمایه داری است. این چهارچوب ارتجاعی باید با چهارچوبی انقلابی به مصاف کشیده شود. در همین راستا سکولاریسم و استقرار دولتی سکولار و پیشرو، تامین برابری و رفع

**اسلام ضد زن است!**

نیروها و جنبشهای طرفدار اعمال تبعیض و نابرابری فائق بیابند. قانون همواره انعکاس تناسب قوای طبقاتی است و تنها در صورت وجود عینی جنبشی برای رفع تبعیض و نابرابری میتوان قوانین را به نفع توده زحمتکش و کارکن و مورد ستم تغییر و اصلاح کرد.

جنبش آزادی زن، جنبش طبقه کارگر، جوانان انقلابی باید بر نفی هر گونه تبعیض از جمله؛ تبعیض براساس جنسیت، ملیت، قومیت، نژاد، عقیده و باور را در صدر شعارها و تلاشهای سیاسی خود قرار دهند. در این راستا باید تمام قوانین و چهارچوبهایی که تبعیض و نابرابری را قانونیت میبخشد ملغی شود و بجای آن قوانینی وضع شود که تبعیض و نابرابری در پیشگاه قانون و جامعه را جرم تلقی میکند.

همینطور جنبش آزادی زن در مصر و کشورهای خاورمیانه بعنوان یک جنبش پیشرو و متمایز با جریانات اسلامی و غیر اسلامی طبقه حاکم، باید بیانیه حقوق زنان را اعلام و به پلتانم سیاسی روز خود تبدیل کند. این پلتانم میتواند مبنایی برای نزدیکی و دوری با هر نیروی دیگر در صحنه سیاسی مصر باشد.\*

## جنبش آزادی زن در خاورمیانه

### جبهه های نبرد کدامند؟ ...

م تفاوت است، اما سرمایه داری بدون تبعیض و بدون نابرابری قابل تصور نیست. تبعیض بر اساس جنسیت و نابرابری زن و مرد در جوامع سرمایه داری کنونی، انعکاسی از نابرابری بنیادی در این نظام و تقسیم جامعه به طبقات حاکم و فرو دست است. اگر سرمایه داری متکی به استثمار کار مزدی و بهره کشی از طبقه کارگر است، که هست، آنوقت این نابرابری در خانواده و در جامعه و در قوانین و مناسبات اجتماعی در هزار و یک شکل خود را نشان میدهد و هر روز خود را بازتولید میکند. رهایی زنان از تبعیض و نابرابری در گرو نفی بنیادهایی در جوامع کنونی است که تداوم نابرابری زن و مرد را بازتولید میکنند. اما نه تبعیض و نه نفی تبعیض یک شبه ایجاد نشده تا یک شبه نابود شود. در دنیای واقعی باید نیروها و جنبشهای علیه تبعیض و برابری طلب بتوانند به

بیزاری شان را از حکومت دینی اعلام میکنند، طبقه حاکم "سکولار" میشود و البته سکولاریسم اش مبتنی بر سازش با مذهب و نیروهای مذهبی است. برای طبقه حاکم مذهب بعنوان یک رکن انقیاد و تحمیق و توجیه نابرابری در سرمایه داری نگهداشته میشود. یک جبهه مهم نبرد چپ و راست در مقیاس جامعه، برسر سکولاریسم و تشکیل دولتی غیر مذهبی و غیر ملی است. دولتی سکولار و پیشرو که از هویت های کاذب و احساس تعلق افراد به این یا آن مذهب و ملیت و قوم گسست میکند. دولتی که مبنایش هویت آزاد و برابر انسانها است و در شناسنامه افراد با مهر "مسلمان" و "مسیحی" و "عرب" و "کرد" و غیره معرفی نمیشوند.

تلاش برای تحمیل دولتی سکولار حتی به بورژوازی ای که ادعای سکولاریسم میکند، تنها در گرو فشار اجتماعی و ایجاد یک قدرت سایه است. این فشار و قدرت اجتماعی باید به جنبش سیاسی روشنی برای تحقق خواست های برحق تبدیل شود. از جمله باید:

بر لغو کلیه قوانین اسلامی در جامعه و در خانواده، لغو قوانین شریعه، لغو امتیازات سیاسی و اقتصادی دستگاه مذهب، لغو آموزش و پرورش دینی، لغو دخالت مذهب در دولت و نظام سیاسی اداری تاکید کرد. امروز سکولاریسم و تقابل با اسلام سیاسی بیش از هر زمان یک جبهه نبرد و یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن در کشورهای منطقه است.

### برابری و رفع تبعیض

اعمال تبعیض و نابرابری کارنامه و شناسنامه بورژوازی در کل جهان است. علیرغم اینکه ابعاد و دامنه این تبعیض و نابرابری در کشورهای مختلف، آنهم به همت مبارزه کارگران و آزادیخواهان

## نشریه انگلیسی زبان آزادی زن شماره ۴۵ به سردبیری مریم کوشا منتشر شد!

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION 00 JULY 2013

The Organisation for Women's Liberation  
womensliberation.net  
kousha.maryam@gmail.com

Please make your donations to the following account:  
Lloyds 1st Bank, Account name: Medusa Account no: 0979299  
Sort Code: 2093-01  
916 Gower Lane, Putney Green, London SW15 4JH, England

Medusa Bank  
Shahla Nouri: wshahla.n@gmail.com www.medusabank.se  
Lauvagatan 12B, 411 94 Gothenburg, Sweden.

Members of the Steering Committee of OWL, elected in the AGM held in Gothenburg, Sweden 27 February 2013.  
From left standing: Shahla Nouri, Shahla Tor Elya, Karim Noori, Chiman Darabi, Azar Majidi, Noosh Ghaderi, Afshar Zilji; seated: Marissa Alra

The OWL's aim is the unconditional liberation of women and complete equality between women and men in Iran. We fight for:

- 1- Complete equal rights for women and men; abolition of discriminatory laws, particularly laws in relation to family, marriage, divorce, and parental responsibilities, for children;
- 2- Abolition of compulsory veiling and freedom of dress;
- 3- Access to equal education in education, employment, sports and cultural activities;
- 4- Separation of religion from the state and education.

PAGE 9

ORGANISATION FOR WOMEN'S LIBERATION 00 JULY 2013

45

Women's Liberation - Iran  
womensliberation.net

Sarah Daneshvar  
Egypt

The Consequences of the defeat of the pro-West Political Islam on the situation of Women's Liberation movement in the Middle East

The Islamic government of Mohammad Morsi in Egypt is the result of the basic rejection of the vast majority of people. The suppression of the women's demand for autonomy and independence of this Islamic system. What needs to be implemented is not "compromise" or "different definitions" of it, but its own for the Egyptian women's movement and public demands do not give us just alternatives or reforms between

the different bourgeois forces. Following any changes in the balance of forces, political currents, gender, even the opposition of women on the liberation movement and the opportunities they provide. They acknowledge, what are the limitations for the ruling class in the period? How can we use the opportunities and limitations created, in favor of the liberation movement? How can the movement rise as an important and sustainable political

Women's liberation movement is the uncompromising enemy of the Islamic movement.  
Women's freedom is the measure of freedom in society. There is still a great deal left to accomplish in order to eliminate inequality between men and women, not only in Iran where misogyny deeply roots, but in the most advanced societies as well. The Organisation for Women's Liberation sees itself as part of the international struggle for women's liberation.

PAGE 1

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!